



اثر ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر ریسک پذیری بانک های پذیرفته شده در بورس های اوراق بهادار ایران

نرگس جلالی پور^{۱*}، محمد جمالی^۲، شهریار انصاری چهارسوقی^۳

۱. کارشناس ارشد مهندسی مالی، موسسه آموزش عالی پرندک (نویسنده مسئول)

۲. دکترا، مدرس موسسه آموزش عالی پرندک

۳. دکترا، عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی پرندک

ارتباط با نویسنده: nargesjalali61@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱، تاریخ انجام اصلاحات: ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

The Effect Of Corporate Governance Structure And Capital Adequacy on The Bank Risk-Taking In Iran

Narges Jalalipour^{1*}, Mohammad Jamali², Shahriar Ansari Chaharsoughi³

1. Master of financial engineering, Parandak Higher Education Institute, (corresponding author)

2. Lecturer, Parandak Higher Education Institute

3. Faculty Member, Parandak Higher Education Institute

Received 07/22/2019, Revised 10/14/2019, Accepted 10/15/2019

چکیده

در این پژوهش عوامل تاثیرگذار بر ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از دو جنبه کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه پژوهش شامل ۱۵ بانک از کلیه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است که داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از صورت های مالی سالانه بانک‌ها و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج شده و برای آزمون فرضیه‌ها، روش رگرسیون چند متغیره پانل مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که کفایت سرمایه، سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تاثیر منفی و معناداری داشته و اندازه هیئت مدیره و دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

کلمات کلیدی: کفایت سرمایه، ریسک اعتباری، حاکمیت شرکتی



مقدمه

موضوع ریسک اعتباری و مطالبات عموق بانکی یکی از موضوعات حساس و با اهمیت صنعت بانکداری می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان آن را عامل اصلی ورشکستگی بانک‌ها معرفی نمود. بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در آمریکا که ریشه در افزایش ریسک اعتباری داشت، اهمیت توجه به ریسک اعتباری را بیش از پیش نمایان ساخت (بوتنتگ و همکاران، ۲۰۱۸). ریسک اعتباری یا ریسک ناشی از قصور در پرداخت جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که به اولین نقش بانک در اقتصاد یعنی گردآوری سپرده و اعطای وام مرتبط است. ریسک اعتباری از آن جهت در نهادهای پولی حائز اهمیت است که منابع به کار گرفته شده برای تخصیص در حقیقت بدھی نهاد پولی به سهام داران مردم و بانک‌ها است که در صورت عدم گردش هم می‌توان اعتبار دھی و هم قدرت تادیه بدھی نهاد پولی به عنوان وام دهنده را تضعیف کند (ابوالسود، ۲۰۱۷).

از طرف دیگر بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک ارتباط نزدیکی وجود دارد که می‌تواند به سادگی قابل فهم باشد. ساختار هیئت مدیره می‌تواند فرایند مدیریت ریسک را بهبود بخشد و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی به تقویت استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی بپردازد. لذا ساختار هیئت مدیره بر سیاست‌ها و اهداف مدیریت ریسک تأثیرگذار است. هرچه تعداد مدیران غیر موظف هیات مدیره بیشتر باشد، امکان فعالیت‌های مقابله‌ای ریسک شرکت بیشتر خواهد بود. همچنین استقلال هیئت مدیره به عنوان عامل اساسی حفاظت از منافع سهامداران است زیرا اعضای بیرونی که هیچ رابطه‌ای با شرکت غیر از جایگاه خود در هیئت مدیره ندارند می‌توانند به عنوان ناظر بهتری عمل می‌کنند (بوتنتگ و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از مباحث مهم در بانک‌ها بازپرداخت تسهیلات اعطایی است. در واقع ممکن است اشخاص حقیقی و یا حقوقی که از بانک وام گرفته‌اند از عهده باز پرداخت آن برآیند. بانک‌ها و موسسات مالی باید برای جلوگیری از بروز چنین ریسکی از مدیریت ریسک توانمندی برخوردار باشند و در هر لحظه قادر به اندازه-گیری ریسک اعتبارات پرداختی باشند. علاوه بر این، بانک‌ها باید قبل از پرداخت اعتبار به مشتریان، قوانینی برای سقف پرداخت در نظر بگیرند که قطعاً این محدودیتها بر حسب مقدار ریسک و مقدار سرمایه بانک تعیین می‌گردد، همچنین برای بررسی دقیق‌تر باید بخش‌هایی را که ریسک در آن‌ها متتمرکز است مشخص نموده و در قبال آن‌ها تصمیم‌های مناسبی اتخاذ گردد. از این رو تحقیق حاضر به بررسی تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر پیامدهای ریسک پذیری بانک می‌پردازد.

مبانی نظری و مروعی بر پیشینه پژوهش

امروزه بانکداری یکی از بالاهمیت‌ترین بخش‌های اقتصاد به شمار می‌آید. بانک‌ها از یک طرف با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل می‌کنند و موجب گسترش بازارها می‌شوند و از طرف دیگر با تجهیز پساندازهای ریز و درشت و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌آورند (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹).



از آنجائی که رشد و توسعه اقتصادی هر کشور مستلزم انتقال مناسب منابع مالی مازاد پس انداز کنندگان به سرمایه گذاران است وجود یک بازار مالی کارآمد و گستردگی که در آن منابع مالی به بهترین موقعیت های سرمایه گذاری سوق داده شود بسیار حیاتی است.

از یک سو بیشترین حجم مبادلات کشورمان از طریق سیستم بانکی تحقق می‌یابد و کارکرد مطلوب نظام بانکداری کشور نقش تعیین کننده‌ای در بهبود فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت (momni و حری، ۱۳۸۹). از سویی دیگر مطالعه برروی عوامل مؤثر بر سود آوری بانک که از ابتدای سال ۱۹۷۹ شروع شده یکی از ملزمومات اولیه و پیش نیازهای اصلی برای قرار گرفتن در مسیر توسعه، تأمین و تخصیص سرمایه و منابع مالی به شکل مطلوب است (سید نورانی و همکاران، ۱۳۹۱). بطور کلی عوامل تعیین کننده سودآوری بانک‌ها به دو گروه عوامل داخلی قابل کنترل مدیریت بانک و عوامل بیرونی فراتر از مدیریت بانک تغییک شده‌اند (چنگ و همکاران، ۲۰۰۷).

مقابله با پدیده‌های ریسکی در فعالیت‌های مالی و اقتصادی، مستلزم طراحی و اجرای چارچوب جامع مدیریت ریسک است، به طور کلی مدیریت ریسک فرآیند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌هایی برای اداره ریسک است (اصلی، ۱۳۹۰). در مجموع، استراتژی‌های بکار رفته در بانک‌ها و موسسات مالی شامل انتقال ریسک، اجتناب از ریسک، کاهش اثرات منفی ریسک و پذیرش قسمتی یا تمامی پیامدهای یک ریسک خاص است. بدیهی است مدیریت ریسک با استفاده از نگرش هیات مدیره و مدیران، به سازمان‌ها و موسسات کمک می‌کند تا با جایگزین کردن یک استراتژی جامع به جای روش‌های منفرد و یک جانبه در مقابل ریسک‌ها، نحوه اداره موثر و مقرون به صرفه آن‌ها را یافته و به اجرا بگذارد (حاجی آفایی، ۱۳۸۶).

الف-مفهوم ریسک تسهیلات(وام‌ها)

تسهیلات اعطایی، از زمرة مهم‌ترین و بالرزنده‌ترین دارایی‌های بانک محسوب می‌شوند و بخش عمده‌ای از درآمد بانک‌ها می‌تواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد اما گرددش پول و سرمایه در جامعه نهاد مالی را در معرض انواع ریسک‌ها قرار می‌دهد تنوع این ریسک‌ها و گاهی شدت آن‌ها به حدی است که اگر نهاد مالی نتواند آنها را به نحو صحیح کنترل و مدیریت کند رو به نابودی و حتی ورشکستگی خواهد رفت (اصلی، ۱۳۹۰).

بنابراین با توجه به افزایش تقاضای تسهیلات و ریسک موجود در این گونه فعالیتها اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات و ارائه الگویی مناسب برای نحوه پرداخت تسهیلات یکی از اساسی ترین اصول مدیریت ریسک اعتباری در بانک‌ها و موسسات مالی بشمار می‌رود به طوری که استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری بالاخص اعتبارسنجی، به بانک‌ها این امکان را می‌دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری درخصوص اعطای تسهیلات تصمیم‌گیری کنند (اصلی، ۱۳۹۰).

در بین ریسک‌های دیگری که بانک‌ها با آن روبرو هستند، ریسک اعتباری نقش مهمی روی سوددهی بانک‌ها دارد چون مقدار زیادی از درآمد بانک‌ها از سود وام‌ها به دست می‌آید. به هر حال ریسک میزان سود مستقیماً به ریسک اعتباری مربوط است. احتمال ریسک اعتباری و ریسک میزان سود، فی نفسه به یکدیگر مربوط هستند و جدای از هم نیستند (در حمان و همکاران، ۲۰۰۸).



ب-مفهوم ریسک پذیری

ریسک اعتباری یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و موسسات مالی است ریسک اعتباری را می‌توان به صورت رویدادهای غیرمنتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش دارایی‌ها یا بدھی‌ها رخ می‌دهد نیز تعریف کرد. این ریسک از آن جهت ناش می‌شود که دریافت کنندگان تسهیلات تمایل یا توانایی بازپرداخت بدھی خود را به بانک نداشته باشند که از آن به عنوان نکول یاد می‌شود که مترادف ریسک اعتباری است (نظریان و همکاران، ۱۳۹۵).

ج-تأثیر ریسک پذیری بر بانک یا موسسه مالی

به لحاظ نظری، نکول زمانی روی می‌دهد که ارزش دارایی‌های شرکت کمتر از ارزش بدھی‌های آن باشد، بنابراین ریسک نکول از جمله مهمترین ریسک‌هایی است که بانک‌ها و موسسات پولی و مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که نکول تعداد کمی از مشتریان می‌تواند زیان غیرمنتظره‌ای را به یک سازمان وارد نماید.

هرگونه قصوری که در بازپرداخت تسهیلات صورت گیرد از ارزش دارایی‌های بانک کاسته و ممکن است بانک را در ایفای تعهداتش دچار مشکل نماید از سوی دیگر میزان سودآوری را نیز کاهش دهد و به این ترتیب بانک به پیش‌بینی‌های اولیه خود دست نیابد و متعاقباً نتواند به سهامداران و سپرده‌گذاران خود سودهای مورد انتظار آنان را پرداخت نماید و این اتفاق تأثیر مستقیم در موقعیت بانک، سهامداران و سپرده‌گذاران خواهد داشت.

د-حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی عبارت است از سیستمی که به وسیله آن شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند. هیات مدیره در قبال حاکمیت بر شرکت مسئول هستند. نقش سهامداران در حاکمیت، تعیین و منصوب نمودن مدیران و بازرسان در شرکت در جهت اطمینان خاطر دادن به آنها در مورد برقرار بودن ساختار حاکمیتی مطلوب در شرکت است. مسئولیت‌های هیئت مدیره شامل تعیین اهداف استراتژیک شرکت، فراهم کردن رهبری جهت دست یابی اثر بخش به این اهداف، نظارت بر مدیران و ارائه گزارشات به سهامداران است. اقدامات هیئت مدیره مبتنی بر قوانین، مقررات و خواسته‌های سهامداران در مجمع عمومی می‌باشد (شهریاری، ۱۳۸۶). ساختارهای حاکمیت شرکتی چند بعدی هستند. هر یک از ابعاد ممکن است جایگزین یا مکمل یکدیگر باشند تا ساختار حاکمیتی مطلوبی را شکل دهند. یک جریان مطالعات حاکمیت شرکتی اندازه‌های چند بعدی حاکمیت شرکتی را برای حصول رابطه با سایر عوامل مانند عملکرد، محتوای اطلاعاتی سود، مدیریت سود، تجدید ارائه و ... به کار می‌برند. به عنوان مثال، دی (۲۰۰۵) مجموعه جامعی از دوازده ویژگی حاکمیت شرکتی را برای اندازه گیری ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی مورد مطالعه قرارداد و نتایج او نشان می‌دهد که ترکیب و کارکرد اعضای هیات مدیره، کارایی کمیته حسابرسی و دوگانگی وظیفه مدیر عامل به طور معنی داری با اعتبر گزارشگری مالی در شرکت های با هزینه‌های نمایندگی بالا رابطه دارد.

پیشینه پژوهش

گپتا و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر شرایط اقتصادی و قیمت نفت بر ریسک‌پذیری شرکت‌ها در ۵۰ کشور در طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۶ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که شرکت‌ها با افزایش قیمت نفت ریسک گریز می‌شوند البته این ارتباط به شرایط اقتصادی نیز وابسته



است. در صورتی که شرایط اقتصادی مطلوب باشد با افزایش قیمت نفت ریسک‌پذیری شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

بوتنگ و همکاران^(۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط روابط سیاسی هیئت مدیره، ساختار مالکیت و ریسک اعتباری در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین در طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۴ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد که نوع مالکیت بانک‌ها ارتباط بین روابط سیاسی و ریسک اعتباری را تعديل می‌کند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد بانک‌های دولتی حساسیت بیشتری نسبت به ریسک اعتباری دارند در حالی که مدیران بانک‌های خصوصی گرایش بیشتری به نظارت موثر دارند.

آلبرینگ و همکاران^(۲۱) به بررسی تاثیر پیش‌بینی مدیریت سود، انگیزه‌های مدیریتی و ریسک‌پذیری شرکت‌ها در طی دوره زمانی ۱۹۹۴-۲۰۱۱ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد که پیش‌بینی مدیریت سود می‌تواند مدیران را وادار به اجتناب از سرمایه‌گذاری‌هایی که در بلند مدت برای شرکت منافع دارند نماید. به همین ترتیب می‌توان گفت بین پیش‌بینی مدیریت سود و ریسک‌پذیری شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معناداری بین مالکیت مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها وجود دارد.

ابوالسود^(۲۲) به بررسی ساختار حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه پیامدهای ریسک‌پذیری بانک پرداخت و به این نتیجه رسید که بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریتی بیشتر و هیئت مدیره کوچکتر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای مالکیت مدیریت خوب، سعی می‌کنند که خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگهدارند، حتی در شرایط بحران مالی با نگهداری نسبت‌های سرمایه بالا، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند.

نظریان و همکاران^(۲۳) به بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک‌های منتخب خصوصی و دولتی ایران پرداختند. تخمین الگوی کارایی بانک‌های منتخب در ایران نشان می‌دهد تاثیر متغیر ریسک اعتباری بر میزان کارایی بانک‌ها منفی و از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. تاثیر متغیر شاخص کفایت سرمایه بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت ولی از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین تاثیر جذب منابع بانکی بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت و معنی دار می‌باشد.

ایمان‌زاده و همکاران^(۲۴) به بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بانکی بر کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنی دار بین تمرکز مالکیت و کفایت سرمایه می‌باشد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد ارتباط معکوس و معنی داری بین مالکیت تمرکز بانکی و نرخ نقدینگی در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. نهایتاً نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده ارتباط مستقیم و معنادار بین تمرکز مالکیت بانکی و نرخ وام‌ها به سپرده‌ها می‌باشد.

خشند و اسفندیاری^(۲۵) به بررسی وام دهی بانکی و کفایت سرمایه در مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران پرداختند. نتایج هر چند بیانگر اثربخشی سرمایه بانک در قالب نسبت کفایت سرمایه در تصمیم وام دهی هر دو گروه بانک مورد بررسی است، اما نتایج‌های دال بر تأیید نقش سرمایه بانک در کanal وام دهی بانکی از منظر تضعیف اثر سیاست پولی در هیچ یک از دو گروه مورد بررسی مشاهده نمی‌شود.



محمودوند و محمدی (۱۳۹۲) به بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک ها و موسسات مالی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که برای جلوگیری از سوخت شدن مطالبات بانکی باید راهکارهای همچون موارد زیر ارائه شود: ۱- ارائه راه کارهایی برای اندازه گیری ریسک اعتباری و روش هایی برای بررسی کفایت سرمایه بانک در مواجهه با شرایط بحرانی ناشی از عدم پرداخت وامها. ۲- تشخیص بخشهایی از پرتغوفی وامها که در آن تمرکز ریسک وجود دارد. ۳- انجام تحلیل وام های فردی و مشخص نمودن وام هایی که با توجه به میزان سرمایه بانک، خارج از محدوده وام گیرنده فردی توسط مدل تعیین شده است.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش برای تحلیل داده ها و بررسی فرضیه های پژوهش از رگرسیون گشتاورهای تعییم یافته استفاده شده است. زیرا تخمین های به دست آمده از روش گشتاورهای تعییم یافته با در نظر گرفتن مشکلات تخمین دینامیک داده های تلفیقی (پانل) در حضور اثرات ثابت، صحیح ترین نتیجه را به دست می دهد. جامعه این پژوهش، کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است. به منظور همگنی بانکهای مورد بررسی فیلتر های زیر برای انتخاب بانک ها ارائه می گردد:

۱. در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشد.
۲. جزء بانک های فعال در بورس (حداقل در طول هر شش ماه یک روز معاملاتی داشته باشد) باشد.
۳. دوره مالی آن ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد تا بتوان داده ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز، به صورت پانلی به کار برد.
۴. سهام آنها تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس معامله شده باشد.

فرضیه های پژوهش

در سال های اخیر بروز رکود اقتصادی همراه با تورم در ایران موجب افزایش مطالبات عموق بانکی شده است که می تواند نظام بانکی کشور را با مشکلات جدی مواجه سازد (سعیدی، ۱۳۹۰). شلیفر و ویشنی - (۱۹۸۶)، دریافتند که سرمایه گذاران نهادی در نظارت بر عملکرد گروه مدیریت موفق تر هستند. همچنین، سرمایه گذاران نهادی آگاهی و اطلاعات بیشتری دارند، زیرا به منابع خبری مختلفی دسترسی دارند (گرایپ و کالر، ۲۰۱۰). جنسن (۱۹۸۶)، بیان کرد که سرمایه گذاران نهادی می توانند به کاهش هزینه های نمایندگی کمک کنند، بر عملکرد شرکت و انتشار سهام نظارت کنند، مدیران را تغییر دهنده تا بر شرکت نظارت کنند و در نهایت، زمانی که اعمال کنترل صورت می گیرد، از منافع سهامداران دفاع کنند. از آنجا که توافق نامه های قراردادی سهامداران نهادی با مدیران، نظارت را تسهیل می کند، مالکیت متمرکز حساسیت سهامداران نسبت به ریسک را افزایش می دهد. از این رو، سهامداران سود نسبی را در تحمل ریسک کاهش داده اند (هاینریش، ۲۰۰۰). از طرفی استقلال هیئت مدیره و حضور افراد غیر موظف در ساختار هیئت مدیره نیز، یک عامل اساسی در حفاظت از منافع سهامداران است. زیرا اعضای بیرونی غیر موظف که هیچ رابطه ای با شرکت، غیر از جایگاه خود در هیئت مدیره ندارند، می توانند بر مدیران شرکت نظارت بهتر و دقیق تری داشته باشند (گراو و همکاران، ۲۰۱۱). لذا انتظار بر این است که با افزایش نظارت بر مدیران بانکی، عملکرد بانک بهبود یافته و وام های اعطایی مدیران، در چارچوب

نظرات سهامداران نهادی و اعضای غیر موظف صورت گیرد و در نتیجه ریسک اعتباری بانک را کاهش دهد.

محققان رفتار سازمانی استدلال می کنند که اگر هیئت مدیره بزرگتر باشد بهره وری کل کاهش می باید. طرفداران هیئت مدیره کوچکتر استدلال می کنند که هیئت مدیره کوچکتر احتمال بیشتری برای رسیدن به اجماع دارد و اجازه می دهد کاربران به بحث و تعامل واقعی پردازند. فرض بر این است که زمانی که اندازه مناسب هیئت مدیره تعیین می شود (سعیدی، ۱۳۹۰). در هر صورت اندازه هیئت مدیره بر عملکرد تاثیرگذار بوده و می تواند بر ریسک اعتباری نیز تاثیرگذار باشد. لذا فرضیه های پژوهش، به صورت زیر مطرح می گردد:

- ۱- کفاایت سرمایه بر ریسک اعتباری بانک ها تاثیر گذار است.
- ۲- سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک ها تاثیر گذار است.
- ۳- استقلال هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک ها تاثیر گذار است.
- ۴- اندازه هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک ها تاثیر گذار است.

مدل و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

الف- متغیر وابسته

ریسک پذیری (*Risktaking_{it}*) برابر است با نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات از معیارهای معمولی است که در سیستم بانکی برای ارزیابی وضعیت ریسک اعتباری به کار می رود. تسهیلات در بانکها و مؤسسه های اعتباری فعال در ایران، براساس دستورالعمل بانک مرکزی با توجه به کیفیت آنها، به چهار دسته به شرح زیر طبقه بندی می شوند.

۱. طبقه جاری: تسهیلاتی است که پرداخت اصل و سود آنها یا بازپرداخت اقساطشان در سراسری انجام شده یا حداقل از سراسری آنها دو ماه گذشته است. ۲. طبقه سراسری گذشته: از تاریخ سراسری اصلی و سود تسهیلات یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از دو ماه گذشته است، ولی تأخیر در بازپرداخت هنوز از شش ماه تجاوز نکرده است. ۳. طبقه معوق: اصلی و سود تسهیلاتی است که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سراسری یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده، مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات مؤسسه اعتباری نکرده است. ۴. طبقه مشکوک الوصول: اصلی و سود تسهیلاتی است که بیش از هجده ماه از سراسری یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده، مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدھی خود نکرده است (اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی، ۱۳۸۵). گفتنی است در ادبیات بانکداری، به مجموع تسهیلات سراسری گذشته، معوق و مشکوک الوصول، تسهیلات غیر جاری اطلاق می شود و نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات احتمالی از مهمترین معیارهایی است که در سیستم بانکی برای اندازه گیری ریسک اعتباری استفاده می شود.

ب- متغیرهای مستقل

BS_{it} : اندازه هیات مدیره که از تعداد اعضای هیات مدیره بدست می آید (ابوالسود، ۱۳۹۷). $MANAGER_{it}$: دوگانگی مسئولیت مدیر عامل، که متغیر مجازی با ارزش صفر و یک است. در صورتی که مدیر عامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد مقدار صفر و در غیر اینصورت یک را اختصاص خواهیم داد (ابوالسود، ۱۳۹۷).



OUT_{it} : استقلال هیئت مدیره؛ عبارت است از درصدی از اعضای هیئت مدیره که سمت اجرایی ندارند و از نسبت تعداد اعضای هیئت مدیره غیر موظف بر کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید (ابوالسود، ۲۰۱۷).

$BLOCK_{it}$: درصد سهامداران نهادی که بیان کننده میزان سهام در دست سهامداران نهادی به کل سهام شرکت است. سهامدار نهادی شامل سهامدار حقوقی مانند هلدینگ‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی و ... و سهامدارانی که بیش از ۵٪ سهام شرکت را در اختیار دارند. CAP_{it} : کفايت سرمایه که از نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌های موزون شده به ریسک بانک بر اساس دستور العمل بانک مرکزی به دست خواهد آمد (بانک مرکزی، ۱۳۹۲).

ج-متغیرهای کنترلی

اندازه بانک ($size_{it}$): لگاریتم طبیعی ارزش بازاری سهام بانک نرخ رشد ($groa_{it}$): رشد بازده دارایی‌های بانک (بازده دارایی نیز برابر است با نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی‌ها)

نسبت تسهیلات (LTD_{it}): نسبت تسهیلات به کل سپرده‌ها

نسبت سرمایه (CAR_{it}): نسبت سرمایه بانک به ارزش دفتری کل دارایی‌ها

بعد از محاسبه متغیرهای آزمون فرضیه‌ها ار مدل رگرسیون زیر استفاده شده است:

$$Risktaking_{it} = \beta_1 + \beta_2 BLOCK_{it} + \beta_3 MANAGER_{it} + \beta_4 BS_{it} \\ + \beta_5 OUT_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROA_{it} \\ + \beta_9 LTD_{it} + \beta_{10} CAR_{it} + \varepsilon_{it}$$

یافته‌های پژوهش

ابتدا آمار توصیفی که شامل مرکزی (ماکزیمم، مینیمم، میانگین) و پراکندگی شامل انحراف معیار هستند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۱) شاخص آماری متغیرهای کیفی

تعداد مشاهدات	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	میانگین	دوگانگی مدیر عامل
۱۲۰	۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	-	۰/۰۰۶		

جدول (۲) شاخص آماری متغیرهای کمی

تعداد مشاهدات	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	
۱۲۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۸۰	۰/۰۱۰	۰/۰۳۳۶	ریسک پذیری
۱۲۰	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۰۰	۰/۴۸۸۵	استقلال هیئت مدیره
۱۲۰	۰/۰۳۱	۵/۰۰۰	۹/۰۰۰	۵/۰۰۰	۵/۸۷۴۴	اندازه هیئت مدیره
۱۲۰	۰/۲۵۵	۰/۶۲	۰/۹۳	۰/۸۶	۰/۶۸۰۰	سهامداران نهادی
۱۲۰	۰/۲۱۱۷	۰/۰۲۷۱	۰/۵۴۰۱	۰/۰۹۰	۰/۱۵۱۷	کفايت سرمایه
۱۲۰	۸/۸۵۰	۱۳/۲۵۴	۱۸/۱۷۶	۱۶/۴۴	۱۴/۹۹۳	اندازه بانک
۱۲۰	۰/۱۵۴	-۰/۵۲۸۸	۱/۶۸۷۰	۰/۰۲۳	۰/۳۵۲۰	نرخ رشد
۱۲۰	۰/۶۳۲	۰/۸۱۸۸	۱/۰۸۵۱	۰/۹۵۳۸	۰/۹۶۰۱	نسبت تسهیلات

در خصوص ۱۲۰ مشاهده، متغیر ریسک پذیری بطور متوسط ۳٪ بوده، به عبارت دیگر ۳٪ از تسهیلات بانک ها بازگشت نشده است. میزان کفایت سرمایه بطور متوسط ۱۵٪ است به عبارت دیگر بانک ها به میزان ۱۵٪ دارایی های خود برای پوشش ریسک در نظر گرفته اند. سهامداران نهادی در حدود ۶۸ درصد سهام شرکت ها را در اختیار دارند. رشد بازده بانک ها بطور متوسط در حدود ۳۵ درصد بوده است.

آزمون مانایی متغیرها

متغیرهای استفاده شده در رگرسیون باید مانا یا به عبارت دیگر فاقد ریشه واحد باشند، در صورتی که متغیری ریشه واحد داشته باشد باعث می شود نتایج حاصل از رگرسیون کاذب و غیر واقعی باشد. از این رو باید مانایی متغیرها بررسی شود. نتایج نشان می دهد که داده های مورد استفاده در پژوهش مانا می باشند.

جدول ۳: نتایج آزمون دیکی فولر برای سنجش مانایی متغیرها

احتمال	آماره	متغیر
۰,۰۰۱	۵۴۱	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
۰,۰۰۱	۳۶۵	دوگانگی مدیرعامل
۰,۰۰۱	۳۸۴	اندازه هیئت مدیره
۰,۰۰۱	۳۱۶	استقلال هیئت مدیره
۰,۰۰۱	۳۰۲	سهامداران نهادی
۰,۰۰۱	۵۶۱	کفایت سرمایه
۰,۰۰۱	۳۵۱	اندازه بانک
۰,۰۰۱	۳۱۸	نرخ رشد
۰,۰۰۱	۲۴۴	نسبت تسهیلات

برآورد مدل و آزمون فرضیه های مربوط به آن

پیش از تخمین مدل نیاز است تا آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش مدل رگرسیونی از حیث پانل بودن (داده های تابلویی) یا پولینگ بودن (داده های تلفیقی) انجام گرفته و در صورت پذیرش روش پانل، آزمون هاسمن برای تعیین نوع روش از لحاظ اثرات ثابت یا اثرات تصادفی صورت گیرد. اگر سطح معناداری آزمون هاسمن کوچکتر از ۵ درصد باشد، فرض صفر (اثرات تصادفی) رد شده و اثرات ثابت انتخاب می شود و اگر سطح معناداری آزمون هاسمن بزرگتر از ۵ درصد باشد فرض صفر تایید شده و اثرات تصادفی انتخاب می شود. مطابق با نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، روش رگرسیونی مناسب انتخاب می شود و بر اساس آن فرضیه های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در صورت استفاده از روش داده های تابلویی هنگامی که تعداد شرکت ها از مقاطع دوره زمانی بیشتر باشد ممکن است مدل ها با مشکل ناهمسانی واریانس ها مواجه شوند. با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس در برآورد انحراف معیار و استنباط آماری لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش به منظور آزمون برابری واریانس در داده های تابلویی از آزمون نسبت درست نمایی (LR) استفاده شده است. در صورت وجود مشکل ناهمسانی واریانس در داده های تابلویی روش های مختلفی جهت رفع این مشکل وجود دارد که یکی از این روش ها استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) می باشد.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
F لیمر	۳/۹۷	۰/۰۰۱	پانل

نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می‌دهد. از آنجایی که میزان prob محاسبه شده در مدل کمتر از ۰،۰۵ می‌باشد، لذا فرض صفر مبنی بر پولیتگ بودن رد شده و پانل بودن مدل تایید می‌گردد.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
هاسمن	۱۳	۰،۰۴۵	اثر ثابت

با توجه به مقدار احتمال برآورد شده هاسمن که در مدل برابر ۰/۰۴۵ است. فرض صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد شده و فرضیه مقابله آن یعنی وجود اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
ناهمسانی واریانس	۹۹۸	۰/۰۰۱	واریانس ناهمسان

بررسی آماره آزمون انجام شده نشان می‌دهد از آنجایی که prob محاسبه شده کمتر از ۵٪ می‌باشد فرض صفر تائید نشده و همسانی واریانس در مدل تائید نمی‌شود. ازین‌رو برای برآورد مدل‌ها نیاز به رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) است.

نوع آزمون	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه
خودهمبستگی	۵,۲۳	۰,۱۷	عدم خودهمبستگی

با توجه به نتایج تخمین سطح خطای بیشتر از ۵٪ بوده پس فرض صفر رد نشده و وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاقی رد می‌شود.

برآورد مدل تحقیق

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌ها (مطلوبات مشکوک الوصول) است. نتایج آزمون رگرسیون در جدول ذیل به صورت خلاصه ذکر شده است:

جدول ۴: برآورد مدل تحقیق با متغیر وابسته ذخیره مطالبات مشکوک الوصول

متغیرهای توضیحی	ضرایب	t مقادیر آماره	P-Value	نتیجه گیری
$Risktaking_{it} = \beta_1 + \beta_2 BLOCK_{it} + \beta_3 MANAGER_{it} + \beta_4 BS_{it} + \beta_5 OUT_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROA_{it} + \beta_9 LTD_{it} + \varepsilon_{it}$				
مقدار ثابت				
معنادار - مثبت	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۸۵۱۵	۰/۰۳۶۶۷۹	
دوگانگی مدیر عامل	۰/۰۰۰۱	۹/۵۹۶۷۷۷	۰/۱۴۵۶۳۷	معنادار - مثبت
اندازه هیئت مدیره	۰/۰۰۰۱	۶/۴۹۶۳۶۰	۰/۰۴۳۱۸۸	معنادار - مثبت
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۳۳۴	-۱/۸۷۴۸۳۷	-۰/۰۰۳۲۲۷	معنادار - منفی
سهامداران نهادی	۰/۰۰۰۹	-۳/۳۳۸۹۱۶	-۰/۰۰۳۶۱۸	معنادار - منفی
کفایت سرمایه	۰/۰۴۶۹	-۱/۷۷۱۲۰۶	-۰/۰۱۸۹۰۵	معنادار - منفی
اندازه بانک	۰/۰۰۰۱	۱۳/۲۶۰۷	۰/۰۱۹۴۴۳	معنادار - مثبت
نرخ رشد	۰/۰۰۰۱	-۴/۱۷۹۲۲۰	-۰/۰۴۴۳۱۶	معنادار - مثبت
نسبت تسهیلات	۰/۰۰۰۰	۸/۱۲۳۵۲۰	۰/۰۲۸۹۸۵	معنادار - منفی
آماره F		۵/۷۲	۰/۰۴	آزمون دوربین واتسون
مقادیر P-Value		۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	مقادیر ضریب تعیین ^۲
نتیجه اولیه:				



با توجه به نتیجه جدول می‌توان دریافت که دوگانگی مدیر عامل و اندازه هیئت مدیره تاثیر مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ بر ذخیره مطالبات دارد این در صورتی است که متغیرهای سهامداران نهادی، استقلال هیئت مدیره و کفایت سرمایه تاثیر منفی و معنادار بر ذخیره مطالبات مشکوك الوصول دارد. در مدل مقدار احتمال (یا $P\text{-Value}$) برابر با 0.0001 است. چون این مقادیر کمتر از 0.05 است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود. یعنی مدل معنی‌داری است و بین متغیرهای مستقل ووابسته رابطه خطی برقرار است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً 0.47 می‌باشد. این ضریب بیانگر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۴۷٪ از تغییرات مخارج سرمایه‌ای شرکت را دارا هستند. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر 2.04 می‌باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی‌ماندهای مدل است.

میزان ارزش احتمال برای متغیر کفایت سرمایه کمتر از 0.05 بوده و علامت ضریب برآورده برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که کفایت سرمایه بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارد. لذا فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر سهامداران نهادی کمتر از 0.05 بوده و علامت ضریب برآورده برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارند. لذا فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر استقلال هیئت مدیره کمتر از 0.05 بوده و علامت ضریب برآورده برای متغیر مذکور منفی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که استقلال هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر منفی و معناداری دارد. لذا فرضیه سوم پژوهش نیز تایید می‌گردد. میزان ارزش احتمال برای متغیر اندازه هیئت مدیره کمتر از 0.05 بوده و علامت ضریب برآورده برای متغیر مذکور مثبت است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که اندازه هیئت مدیره بر ریسک اعتباری بانک، تاثیر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه چهارم پژوهش نیز تایید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه این پژوهش مشخص شده است بین کفایت سرمایه و ریسک اعتباری بانک‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و بانک‌ها می‌توانند با افزایش میزان کفایت سرمایه و نگهداری سرمایه بیشتر، ریسک اعتباری خود را کاهش دهند. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷) و نظریان و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش، بین سهامداران نهادی و ریسک اعتباری بانک‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریت بیشتر و هیئت مدیره کوچکتر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای مالکیت مدیریتی خوب، سعی می‌کنند که خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگهداشند، حتی در شرایط بحران مالی با کاهش نسبت‌های بدھی، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷) و ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) همسو است.



طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم پژوهش، بین استقلال هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش اینزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) و فعلی (۱۳۸۷) هم‌استتا می‌باشد. علت احتمالی وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین استقلال هیئت‌مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را می‌توان این‌طور بیان کرد: بدون وجود سازوکارهای اصول راهبری مناسب، می‌تواند مانع ساختن امپراتوری جدید مدیران و سرمایه‌گذاران نباشد. سازوکارهای اصول راهبری مناسب، می‌تواند مانع ساختن امپراتوری جدید مدیران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی شود.

طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه چهارم پژوهش، بین اندازه هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که بیانگر پذیرفته شدن فرضیه چهارم پژوهش است. این نتیجه، با نتیجه به دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷)، ازینه (۱۱) هم‌استتا است. علت احتمالی وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین اندازه هیئت مدیره و ریسک اعتباری بانک‌ها را می‌توان این‌طور بیان کرد: هرچه اندازه هیئت مدیره کوچک‌تر باشد، عملکرد بانک بهبود می‌یابد و ریسک شرکت کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای هیئت مدیره کمتر باشد، کارایی آنان در بحث‌های پیش آمده بیشتر شده و بهتر می‌توانند در جهت اهداف شرکت گام بردارند؛ زیرا در هیئت‌مدیره‌های بزرگ‌تر ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیئت‌مدیره را تحت تأثیر قرار دهند.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه نتایج بدست آمده به مدیران بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که به منظور کاهش ریسک اعتباری بانک خود، سرمایه اولیه خود را حفظ و نرخ کفایت سرمایه را افزایش دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با افزایش سهامداران نهادی و استفاده بیشتر از اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، زمینه نظارتی داخلی بانک افزایش که می‌تواند در جهت کاهش ریسک پذیری بانک نقش ایفا کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به پژوهش‌گرانی که قصد دارند پژوهش‌هایی مشابه با این پژوهش انجام دهند، پیشنهاد می‌گردد که قلمرو مکانی پژوهش خود بانک‌های غیربورسی را نیز قرار داده و نتایج حاصل را با نتایج به دست آمده از این پژوهش مقایسه نمایند.

پی‌نوشت

- | | |
|-------------|---|
| ۱.Watergate | ۹.Xerox |
| ۲.Cadbury | ۱۰.Sarbanes-Oxley Act (SOA) |
| ۳.Dey | ۱۱. International Corporate Governance Network (ICGN) |
| ۴.Vieno | ۱۲.Abu-El-Sood |
| ۵.Enron. | |
| ۶.WorldCom | |
| ۷.Agip | |
| ۸.Seik | |



منابع

- اصلی، شعله، (۱۳۹۰). "مدیریت ریسک اعتباری با نکاهی بر الگوی پرداخت تسهیلات در سایر کشورها". تهران: اداره تحقیقات و کنترل ریسک. ۱-۳۴.
- ایزدی نیا ناصر و رسائیان امیر و رضایی رجایی، علی اصغر (۱۳۹۱). "بررسی رابطه هموارسازی سود با ابزارهای حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام"، فصلنامه برنامه و بودجه. ۱ (۱۷)، ۵۳-۷۸.
- ایمان زاده، بیمان، وطن پرست، محمد رضا و عباسی، سعیده (۱۳۹۴). "بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بانکی بر کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه". همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران، ۳ (۵)، ۱۲۰-۱۴۲.
- بانک مرکزی (۱۳۹۲)، قانون بازل ۲ (ترجمه). سایت بانک مرکزی ایران.
- بقایی حسین آبادی، علی (۱۳۸۰). "ریسک مبانی نظری، کاربردها و ضرورت ادراک آن". نشریه توسعه مدیریت، ۱ (۳۱)، ۱-۱۸.
- حاجی آقایی، بهشاد، (۱۳۸۶)، "انواع ریسک و پژوهش‌های آن"، تهران: تازه‌های اقتصاد، ۶ (۱۲۲)، ۵۸-۶۵.
- خشندود، زهرا و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۳). "بررسی وامدهی بانکی و کفایت سرمایه: مقایسه بانکهای دولتی و خصوصی در ایران". فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی. ۷ (۲۰)، ۲۱۱-۲۳۵.
- سید نورانی، محمد رضا؛ امیری، حسین و محمدیان، عادل (۱۳۹۱). "رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تأکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه". ۲ (۶)، ۱۱-۴۴.
- شهریاری، مهدی. (۱۳۸۶). "نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار" پژوهش‌های حسابداری، ۳ (۲)، ۱۱-۲۸.
- محمودوند، رحیم و محمدی، مهناز (۱۳۸۶). "بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک‌ها و مؤسسات مالی". پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۳ (۲۲)، ۵۳-۸۴.
- مدرس، احمد؛ فعلی، مريم (۱۳۸۷). "رابطه نظام راهبری شرکتی با ارزش شرکت". مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۲ (۲۳)، ۱۰۶-۸۹.
- موسویان، سید عباس و کاوند، مجتبی (۱۳۸۹). "اقتصاد اسلامی ۳". موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). ۱ (۳)، ۱۲-۲۶.
- مومنی، فرشاد و حری، حمید رضا (۱۳۸۹). "بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد". پژوهشنامه اقتصادی. ۶ (۴)، ۳۱-۵۵.
- میکاییلپور، حسین و شیوا، رضا، (۱۳۸۲)، "مدیریت ریسک در حوزه بانکداری"، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی، ۲ (۵)، ۲۰۴-۱۸۶.
- نظریان، رافیک، میرزاپی نژاد، محمد رضا و صحافیزاده، امین (۱۳۹۵). "بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک‌های منتخب خصوصی و دولتی ایران". پژوهش‌های پولی-بانکی، ۲ (۲۰)، ۵۰-۳۲.



- Boateng, Agyenim, Liu, Yang & Brahma, Sanjukta (2018). Politically connected boards, ownership structure and credit risk: Evidence from Chinese commercial banks. *Research in International Business and Finance*. S0275-5319(18),30262-9
- Cheng EWL, Chaing YH, Tang BS(2007), Alternativw approach to the credit scoring by DEA: evaluating borrowers with respect to PFI project, *Journal of Building and Environment* ; 42:1752-1760.
- Drehman, M., Sorensen, S. & Stringa, M. (2008). "The Integrated Impact of Credit and Interest Rate Risk on Banks: An Economic Value and Capital Adequacy Perspective", Working Paper No.339,Bank of England .
- Gropp, R. and Köhler,W. (2010), "Bank owners or bank managers: who is keen on risk? Evidence from the financial crisis", Discussion Paper No. 10-013, Centre for European Economic Research, Mannheim.
- Grove, H., Patelli, L., Victoravich, L. and Xu, P. (2011), "Corporate governance and performance in the wake of the financial crisis: evidence from US commercial banks", *Corporate Governance:An International Review*, 19(5); 418-436.
- Gupta, K. Krishnamurti, C(2019). Do macroeconomic conditions and oil prices influence corporate risk-taking?, *Journal of Corporate. Finance*, 53;1-246
- Heba Abou-El-Sood, (2017) "Corporate governance structure and capital adequacy: implications to bank risk taking", *International Journal of Managerial Finance*, 13(2).165-185
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economic Review*, 76, 323–329
- Shleifer, A. & R. Vishny (1986), "Large Shareholders and Corporate Control", *Journal of Political Economy*, 94, 1-20.